

دارو همچنان گران و نایاب است



گزارش سوم

گرانی و کمیابی دارو

یک سال قبل اگر یک نفر فقط یک نفر بود، می‌کرد فلان دارو نایاب است، دهها نفر و ارگان ادعایش را تکذیب می‌کردند و هر کداه عمده‌ها مدرک و شاهد اثر می‌دادند که دارو هست، زیاد هم هست، همانجا و در دسترس همه ما هست و اگر در موردی دستهای را گشودیم، می‌توانیم مربوط است به دلالان و واسطه‌های بی‌سازگار سیاه دارو.

و امسال با آن که همه می‌گویند همه دارو، نایاب است، حتی یک مقدم یا مسافری پیدا نمی‌شود که ادعا کند چرا دارو هست و شایعه کمبود دارو «به شدت» تکذیب می‌شود! بنابراین همه، حتی مقامات مسئول، قبول دارند، و اذعان می‌کنند که داروها کمیاب و در مواردی حتی نایاب است. اما چرا کمیاب و نایاب؟

● شایعات گوناگون در باره گرانی دارو...

از ماههای پیاپی سال ۷۱ که ایندو گرانی و سپس کمیابی دارو آغاز شد نظریات و شایعات گوناگونی به گوش می‌رسید. عده‌ای می‌گفتند چون قرار است گرانی شود نایاب شده است. عده‌ای گناه را به گردن کارخانه‌های داروسازی می‌انداختند و می‌گفتند نعمت دارو به بازار عرضه نمی‌کنند تا بتوانند آن را در بازار سیاه و به قیمت بیشتر بفروشند. عده‌ای حتی داروخانه‌ها را مقصر نامداد می‌کردند و... از این قبیل شایعات در خرداد، در همان روزهایی که بازار شایعات در مورد کمبود دارو به حد اشد رسید، دکتروان آذرنشوس معاون وزارت بهداشت و درمان و

بازار داغ داروهای گیاهی و دکتر علفی‌ها

شده از عصاره شیرین بیان به جای قرص سایتمدین استفاده کند. وی که چند روزی است بعد از هر غذا یک قاشق جابخوری پودر عصاره شیرین بیان را در یک لیوان آب ولرم حل می‌کند و می‌نوشد، در این باره می‌گوید: ظاهراً این داروی سنتی توانسته است مشکل من یکی را تا حدودی حل کند.

گفتنی است در یکی از آخرین جلسات شورایی عالی بررسی و تعیین الگوی مصرف برای اصلاح الگوی مصرف دارو تصمیماتی گرفته شده است. از جمله در بند ششم تصمیمات این جلسه آمده که:

۱. ایجاد زمینه لازم برای توسعه و گسترش تولید و مصرف داروهای گیاهی در قالب نظام صحیح و مدرن که با رعایت اصول علمی پزشکی در جامعه دارویی قابل عرضه و از قابلیت و کارایی‌های لازم برخوردار باشد.

کمیوه دارو خود به خود موجب رو آوردن عده‌ای از مردم به داروهای گیاهی و دکتر علفی‌ها شده است. مثلاً افرادی که به سنگ کلیه یا مثانه، مبتلا می‌شوند به تجویز دکتر علفی‌ها به دارویی موسوم به عرق خار شتر که معروف است در شکستن و دفع سنگ‌های مجاری ادرار معجزه می‌کند، رو آورده‌اند.

یکی از کسانی که ناچار به داروهای گیاهی متوسل شده، یکی از اعضای گروه گزارشگران مجله است که مثل اکثر روزنامه‌نگاران به زخم معده و اثنی عشر مبتلا است. وی برای برپا ماندن و تحمل هیجان‌های ناشی از کار روزنامه‌نگاری مجبور به مصرف دائم شربت‌های آنسی‌اسید و قرص سایتمدین است و چون این داروها کمیاب است (و تهیه آن از بازار آزاد هم با وضع مالی روزنامه‌نگاران جور در نمی‌آید) در این اواخر درمنازه و مستاصل شده بود تا این که به او توصیه

آموزش پزشکی رگ و راست اعلام کرد. سال گذشته محدودیت‌های اعتباری موجب شد «بخارش‌های دارویی کشور کاهش یابد» و بانک مرکزی در روزهای اخیر مساعدت لازم را جهت موقوف ساختن مشکلات اعتباری انجام داده که امیدواریم این کمکی ادامه یابد.

بدین ترتیب بازار شایعات در مورد عتت کمپایی دارو کساد شد، بی آن که خود بازار دارو از کساد درآید! «لا حرم کسب» آرزو دهنده دارو همچنان ادامه دارد، و خیل نسخه به دستان دردمند همچنان از این داروخانه به آن داروخانه در رفت و آمدند و ظاهراً بنا نیست به این زودی‌ها هم وضع بازار دارو به حالت عادی برگردد.

چند درد دل

آقای نصرالله دهقانی می‌گوید: مبتلا به پارکینسون هستم و قرص سانیمت مصرف می‌کنم. مجبورم ماهی ۱۰۰ قرص بخورم. قبلاً این یک صد قرص را به ۱۹۲۰ ریال می‌خریدم. اما حالا به موجب این فاکتور (فاکتور داروخانه هلال احمر) ۲۰۹۲۰ ریال می‌خرم. و نتیجه می‌گیرم که: **پس داروی سانیمت هست، منتهی به این قیمت**

آقای دیگری می‌گوید: برای کسبانی که به حمله قلبی دچار می‌شوند ۶ عدد آمپول تجویز می‌شود که نامش را نتوانستم حفظ کنم. این آمپول را قبلاً می‌شد با هفتصد تومان تهیه کرد، حالا باید از بازار آزاد خرید به دوازده هزار تومان. اصلاً چرا به نعل قول این و آن بپردازیم؟ یک خیر از خیرگزاری جمهوری اسلامی که در دهه اول تیر ماه انتشار یافت وضع را بطور رسمی نشان می‌داد:

«... نزدیک به دو ماه است که قرص «دانوئیل» یا «گلیبن گلاמיד» و نیز قرص «دیابینز کلوروتروپاید» که مصرف آن برای هشتاد درصد بیماران دیابتی ضروری است و جنبه حیاتی دارد یافت نمی‌شود.»

و ... «سرنگ‌های مخصوص انسولین در داروخانه‌های دولتی هر عدد ۸۰ ریال و در داروخانه‌های خصوصی تا ۲۰۰ ریال است، و اگر افراد نیازمند موفق به تهیه این نوع سرنگ از داروخانه‌های دولتی هم بشوند باید بطور متوسط ده هزار ریال در ماه هزینه کنند.»

و ... «علاوه بر اندازه‌گیری قند ادرار، دستگاه اندازه‌گیری قند خون نیز که تمام بیماران دیابتی در سراسر جهان در اختیار دارند و آنان را قادر می‌کند در زمانی کمتر از سه دقیقه از میزان قند خویشان مطلع شوند در ایران وجود ندارد و اگر هم یافت شود به بهای ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار ریال فروخته می‌شود.»

در ایران دو میلیون بیمار دیابتی وجود دارد. و وقتی کمبود دارو در زمینه دیابت فقط دو میلیون خانوار را با مشکل مواجه کند معلوم است که کمبود مجموعه داروهای رایج برای معالجه انواع بیماری‌ها چند تعداد از ایرانی‌ها را در ماههای اخیر با مشکل و دردسر مواجه کرده است.

نرخ خرید سلامتی، خیلی بالا و دور از دسترس است!

● **قرص سانیمت: قیمت قبلی ۱۹۴ تومان**
قیمت فعلی در هلال احمر ۲۰۹۲ تومان
و در بازار آزاد... خدا می‌داند!

● **آمپول حمله قلبی: قیمت قبلی ۷۰۰ تومان**
قیمت فعلی در بازار آزاد ۱۲۰۰۰ تومان!

● **نوار اندازه‌گیری قند خون ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان!**

هر کمبودی مساوی با گرانی هم هست. کمبود دارو قیمت پیش یا افتاده‌ترین داروهای مصرفی را در حدی افزایش داده که در زمان حاضر تهیه آنها برای اکثریت مردم که صاحبان درآمدهای ثابت هستند، امکان‌پذیر نیست. این کمبود شامل قرص‌های سرم‌ساختوردگی نظیر اسپیرین و استامینوفن نیز شده است و به قول یکی از کسبانی که در خیابان ناصرخسرو دربدر دنبال قرص نیتروگلیسرین می‌گشت «خدا را شکر که تابستان است و بازار زکام و سرماخوردگی کساد، وگرنه معلوم نبود یک بسته ده‌تایی قرص اسپیرین را باید به چند می‌خریدیم؟»

ممکن است شحلی که حدوداً با مسدود کردن پیروی زاده معرفی می‌کرد، می‌گشت. پدرم با احتیاط قلبی دارد و قرص نیتروگلیسرین باید همیشه در دسترس او باشد. قبلاً تهیه این قرص مشکل بود، حالا که جای خود دارد. این قرص در ناصرخسرو پیدا می‌شود ولی قیمتش خیلی گران است. نیم ساعتی است که دارم، با فروشنده‌گان مختلف چک و چانه می‌زنم تا شاید بتوانم کسی ارزان بخرد.

● وضع بیمه‌شده‌ها در این بازار آشفته!

طبعی است همه‌شدگان از این کسب و گرانی پیش از طفانی که دارای درآمدهای بالا هستند آسیب می‌بینند. در گذشته اگر دفترچه‌های بیمه هیچ خاصیتی نداشت لاف‌ها در مورد دارو برای دارندگان آنها منتشر می‌شد. بدین ترتیب که در بدترین حالت، اگر بیمار بیمه‌شده در داروخانه‌های عادی نمی‌توانست تمامی داروهای تجویز شده را تهیه کند، با مراجعه به داروخانه‌های دولتی نهایتاً موفق به تهیه آنها می‌شد. اما اکنون حتی در مورد ساده‌ترین بیماری‌ها و داروهای لازم برای مداوم آنها بیمه‌شدگان با مشقعه مواجه هستند.

بیماران بیمه شده این روزها وقتی برای پیچیدن نسخه به داروخانه‌ها مراجعه می‌کنند

غالباً یک جواب می‌شنوند: «بست، نداریم». توزیع شده است. این سوابق دروغ هم نیست. زیرا بنا به اظهار تعدادی از مدیران داروخانه‌ها که مورد پرسش گزارشگران ما قرار گرفتند اکنون فقط ده درصد از سهمیه دارویی هر داروخانه توزیع می‌شود. و تحقیقات گزارشگران ما نشان می‌دهد اکثر کارخانه‌های داروسازی داخلی به عادت نداشتن سراد اولیه، داروهای را در میزان حداقل تولید می‌کنند و بازه‌ای از خطوط تولید نیز به کلی خوابیده است.

در چندین شراعی اگر دارنده دفترچه بیمه (چه کارگر و کارمند بخش خصوصی، چه کارمند دولت و حتی اعضای نیروهای مسلح) دچار بیماری حاد نباشد، تهیه دارو در می‌رود و با حداکثر به داروخانه‌های دولتی مراجعه می‌کند. اما اگر بیماری حاد باشد هیچ چاره‌ای ندارد جز آن که سر از ناصرخسرو دریابورد و دارویی لازم را گناه در ازای پرداخت نیمه به تمام حقوق یک ماه خود تهیه کند.

● شکلات واجب بود یا!

یکی از همس‌افراد که در ناصرخسرو با خبرنگار ما مصاحبه می‌تواند گفت: «... چندی پیش با صاحب یکی از مقادیر را خوابیدم (مقصودش بدبختی دیگر آفرینش است) که فست‌هایی از آن در هلال احمر نقل شده) ظاهراً عتت کسب و دو اختصاص دادن ارز برای واردات مواد اولیه داروهای است. اگر چنین باشد ما طبق تعریف و تکرار آید حق داریم از مسئولان بخواد به مسئولین این کمبودها را شناسایی معرفی و گزارش کنند. تنها در همین ناصرخسرو نگاه کنند. مسئولین است و مسئولین کارکنان و غیره ضروری و حتی رأی‌دهی وجود دارد که از خارج وارد شده است؟ این همه مشکلات، بیسکارت، سنگار، نوتون پیچ.

● آیا وارد کردن شکلات خارجی و توتون پیب و چینی و کریستال خارجی واجب تر است، یا داروهایی که جان هزاران نفر به آنها بستگی دارد؟

مورد مصرف بیماران دیابتی به مقدار کافی تهیه شده و در شرف توزیع در بازار است. همچنین اعلام شد مواد اولیه تهیه انواع سرم‌ها در آستانه ورود به کشور است و به زودی وضع توزیع سرم عادی خواهد شد. آرزوی ما این است که در شماره آینده مجله، خبر رفع کمبود در زمینه تمامی داروهای مورد مصرف مردم را منتشر کنیم.

پیپ‌های نوکس، کرم‌های زیبایی، ماتیک، لباس‌های گرگان، کوکا و پستی فرطی و نسی‌دائم چه و چه برای این مملکت واجب‌تر بود یا دارویی که جان مردم به بودن یا نبودن آن وابسته است؟ من کار به اتومبیل‌های نوکس و موکت آمریکایی و کریستال‌ها و چینی‌آلات آنچنانی که مخصوص طبقه پولدار است ندارم. لاف‌ارزی را که صرف شکلات‌های بنجل و نوشابه‌ها و کرم پودرها و عطر و ادوکلن می‌شد به واردات دارو اختصاص می‌دادند تا این وضع پیش نیاید. آیا خدا را خوش می‌آید که یک عده پولدار حتی شکلاتشان از خارج وارد شود، اما یک بیچه بخاطر نبودن یک سرم غذایی در خطر مرگ قرار بگیرد؟

همین شخص گفت: من و خانواده‌ام در انتخابات شرکت کردیم و به آقای هاشمی رفسنجانی رأی دادیم. به همین جهت به خودم حق می‌دهم از ایشان تقاضا کنم مسؤولان این وضع را به مردم و دستگاههای قضایی معرفی کنند و دستور دهند با واردات سریع دارو و یا مواد اولیه آن به این وضع که به هیچوجه با شئون جمهوری اسلامی هماهنگی ندارد خاتمه داده شود.

● معنای ناصر خسرو!

خانه پرورش معماریان یکی دیگر از کسانی که در ناصر خسرو درگذشتند (دارو می‌گردند) به گزارشگر ما گفت:

منزل مادر حوالی سیدخلدان است. از وقتی دارو کم شده، صاحب داروخانه مجله ما روش حالی ابتداء کرده است. او داروهای یک نسخه را کامل نمی‌دهد، بلکه به هر نسخه‌ای تعدادی از داروهای تحویرشده را می‌دهد. مثلاً اگر در یک نسخه صد عدد قرص و ده عدد آمپول نوشته شده سی قرص و سه آمپول آن را می‌دهد. استدلالش هم این است که به هر حال برای بیمار کماچی به از هیچی است. البته این را هم بگویم که او آخرین

دانه قرص و آمپولش را به بیمارانی که نسخه دارند می‌دهد و برایش بیستای و غیره می‌گیرد. هم فرقی ندارد. یک روز من را او پرسیدم آقای دکتر چند داروخانه مثل شما عمل می‌کنند و موجودی داروهایشان را تا آخر به مردم می‌دهند. گفت: من فکر نمی‌کنم تعداد داروخانه‌هایی که سینه‌شک را روانه بازار آزاد می‌کنند کمتر باشد. می‌توانند مصرف دو روز بازار سیاه ناصر خسرو را تأمین کنند. پرسیدم: پس این همه ناز چطور سر از ناصر خسرو درمی‌آورند؟

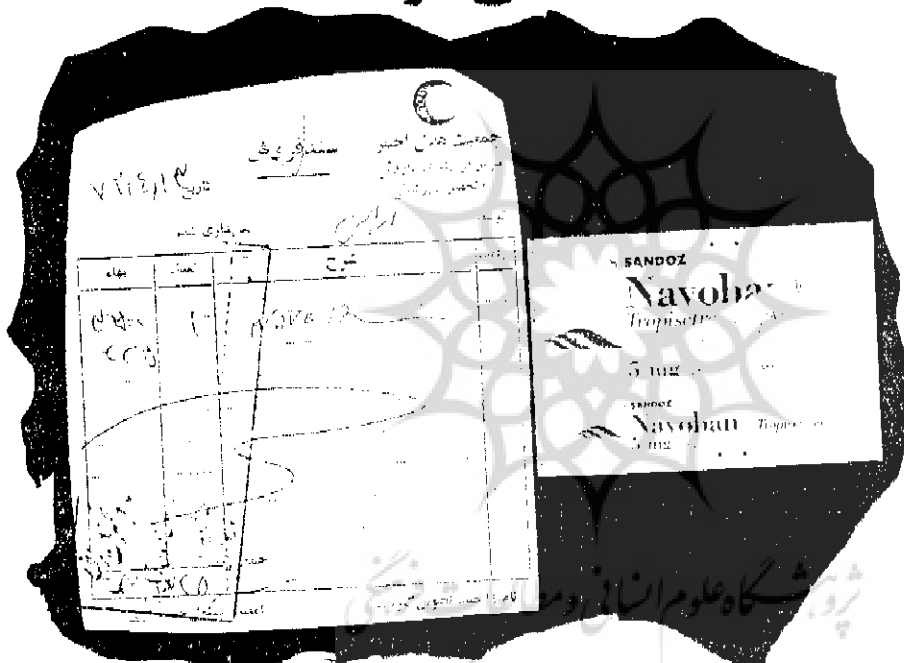
جواب داد: اگر شما تهیه‌کننده، مرا هم خبر کنید؟

حالا آقای حجب‌بگزار، من از شما می‌پرسم این داروها از کجا به ناصر خسرو می‌رسند؟ ماهه می‌پرسید. راستش از کجا!

● آخرین وضعیت

در لحظات آخری که این گزارش تهیه می‌شد، سازمان‌های مسؤول اعلام کردند یک قرن قرص

یک کیسول ۵ میلی گرمی در داروخانه هلال احمر ۳۶۷۰ تومان فروخته می‌شود!



در ناصر خسرو، دانه بی ۱۲ هزار تومان بخرد، یا اگر پزشک تجویز کرد در ماههای آینده در ماه ۸ یا ۱۲ عدد از این کیسول مصرف شود، یا اگر... راستی تکلیف بیمارانی که با عفريت سرطان دست به گریبان هستند چیست؟ آنها برای زنده ماندن به چه امکاناتی می‌توانند امیدوار باشند؟ شوهر این زن برای زنده نگه داشتن مادر سه فرزند و شریک زندگی‌اش چه باید بکند؟ و بالاخره... چه کسی قیمت یک میلی‌گرم داروی ضدسرطان را سلفی بیش از ۷۲۰۰ ریال تعیین کرده است و فکر می‌کنید قیمت اصلی آن در سوئیس که سازنده این کیسول است، چقدر است؟ ای کاش می‌شد از کسی که این قیمت را تعیین کرده پرسید: قیمت زندگی یک انسان چقدر است؟ عین قبض رسید داروخانه هلال احمر که برای فروش یک دانه از این کیسول‌ها صادر کرده است، در اینجا ملاحظه می‌کنید.

یک کیسول ناپروبان (Navoban) حدود ۱۰۰ میلی‌گرم (یعنی یک دهم گرم) وزن دارد و وزن داروی مؤثر آن پنج میلی‌گرم (یعنی پنج هزارم گرم) است. این کیسول در شیمی درمانی مبتلایان به سرطان مورد استفاده قرار می‌گیرد و مصرف آن یک شرط اصلی زنده ماندن مبتلایان به انواعی از سرطان است. و این کیسول را در داروخانه هلال احمر، دانه بی ۳۶۷۰ تومان می‌فروشند! بیماری که این دارو با ارائه دفترچه بیمه از داروخانه هلال احمر برای او خریداری شده جانمی است که شوهرش کارمند دولت است و ماهی پانزده هزار تومان حقوق می‌گیرد. بیمار باید فعلاً در هر ماه ۴ عدد از این کیسول‌ها را مصرف کند و اگر شوهرش بتواند این دارو را همیشه از هلال احمر بخرد در ماه باید ۱۴۶۹۰ تومان فقط برای تهیه این کیسول بپردازد. اگر موجودی این دارو در هلال احمر تمام شد و او ناچار شد آن را